

گزارشی از کتاب محمد ﷺ در اروپا*

حجت‌الاسلام والمسلمین مهدی فرمانیان**

مقدمه

گسترش سریع اسلام در سده اول هجری و نفوذ آن تا قلب اروپا باعث تقابل میان اسلام و مسیحیت گردید. مسیحیان به جای شناخت دین جدید به تحریف و پیشداوری پرداختند و تصویر نادرست و غیرواقعی‌ای از اسلام به غرب ارائه دادند. این ناآگاهی، نادانی و تنگ‌نظری، سهم بزرگی در رواج سوءظن، ترس و وحشت از اسلام در اروپا داشت که هنوز ادامه دارد.

خانم مینو صمیمی، نویسنده کتاب، در غرب زندگی و تحصیل نموده است و به تدریس ادبیات پرداخته و هنگامی که وارد عرصه تألیف شده و کتاب *سلحشوران مؤنث خدا، زنان و انقلاب اسلامی* را در دست تحقیق داشته است، به بسیاری از نوشته‌هایی برخورد کرده که حاوی

* محمد در اروپا، مینو صمیمی، ترجمه عباس مهرپویا، انتشارات اطلاعات، (تهران، چاپ اول، ۱۳۸۲ش).

** عضو هیأت علمی مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم.

تصاویری زشت و غیراخلاقی از اسلام و پیامبر آن بوده‌اند. وی درباره هدف از تألیف این کتاب می‌نویسد:

در خلال کار تحقیق به نوشته‌هایی از مؤلفان اروپایی قرون مختلف تاریخ تفکر اروپا درباره اسلام برخوردیم که... به نظرم عجیب، غیرحقیقی، ساختگی و مغرضانه آمدند... آنچه من در این نوشته‌ها دیدم، نه انتقاد سازنده بود، نه طنزی با نوق و نه تحلیلی بی‌طرفانه، منصفانه و دوستانه که بتوان از آن درس گرفت. در این نوشته‌ها بداندیشی، کینه‌توزی، خیال‌پردازی، کتمان حقیقت تاریخی... و تحقیر فرهنگ‌های مسلمانان کاملاً مشهود بود... بدین سبب بر آن شدم که بیشتر در این زمینه مطالعه کنم... نتیجه این پژوهش پنج سال طول کشید... که در این کتاب عرضه شده است و تصویر اسلام و پیامبر آن را در نوشته‌های اروپایی... نشان می‌دهد...

مؤلف کتاب، هدف دوم خود از نگارش این اثر را «شکستن کلیشه‌های سنتی ذهنی اروپاییان از اسلام که هنوز افکار عمومی غرب متأثر از آن است» دانسته که سهم بسزایی در ایجاد روابط خصومت‌آمیز بین غرب مسیحی و شرق اسلامی ایفا می‌کند.

نویسنده: در مقدمه انگلیسی کتاب در باب نگرش عمومی غرب از پیامبر اسلام می‌نویسد:

در آثار اکثریت قاطع نویسندگان اروپایی، محمد ﷺ به عنوان مردی متصف (نعوذبالله) به عیوب و نقایص بزرگ اخلاقی ترسیم شده است... غربیان با هر گرایشی عقیدتی این فرضیه را که محمد ﷺ به نوعی مشکل شخصیتی و رفتاری دچار بود، نسل به نسل به ارث برده... و در اکثر موارد قاطعانه به او افترا و تهمت زدند...

نویسنده کتاب خود را در یازده بخش، فصل بندی نموده و به غیر از دو مقدمه^۲، یک دیباچه نیز به ابتدای کتاب افزوده است.^۴ وی در این دیباچه به صورت مختصر به گسترش اسلام می‌پردازد و به این سؤال پاسخ می‌دهد که مسیحیت در ارتباط با اسلام چه راهی را پیش گرفت. وی می‌نویسد:

محققان قرون وسطایی... به جای پرسش از چیستی اسلام، گفتند: اسلام ساخته یک نفر است، همان محمد ﷺ و او تحت تأثیر القافات شیطانی چنین اثری را خلق کرده است. بنابراین ضرورتی برای شناخت آن نیست... و برخی ادعا کردند که وفات محمد ﷺ نه در سال ۶۳۲ میلادی، بلکه در سال ۶۶۶ میلادی اتفاق افتاده و این عدد، عدد مخصوص دجال در کتاب مکاشفه یوحنا... است... (مسیحیان) همچنین با تحریف و مخدوش کردن نام مبارک محمد ﷺ و تبدیل آن به محوند، او را اهریمن مجسم جا زدند

به نظر مؤلف، این تحریف اثر شکست سنگین مسیحیان در جنگ‌های صلیبی و نفوذ ترکان عثمانی تا قلب اروپا و شکست امپراتوری بیزانس است.

طهری

سال پنجم - شماره ۲۰ - زمستان ۱۳۸۵

۱۹۴

فصل اول: محمد ﷺ، پیام‌آور مکه

نویسنده در این فصل به زندگانی پیامبر در مکه پرداخته و از تولد پیامبر، کودکی، جوانی، ازدواج پیامبر، پذیرش زید و علی علیهما السلام به عنوان پسرخوانده، ماجرای سیل مکه و نصب حجرالاسود، ابلاغ وحی و آغاز بعثت، دعوت از خویشاوندان، داستان غرانیق^۶، شعبابایی طالب و وقایع سالهای دهم تا سیزدهم بعثت سخن به میان آورده است. برخی مطالب این فصل به تفکرات و عقاید اهل سنت نزدیکتر است و مترجم در پی نوشت، دیدگاه شیعه را بیان کرده است.^۷

فصل دوم: حکومت محمد ﷺ در مدینه

نویسنده در این فصل به روند تاریخ اسلام پس از هجرت پرداخته و به رابطه پیامبر با یهودیان و مسیحیان توجه خاصی نموده است. زندگی خصوصی محمد ﷺ و زن در اسلام نیز از مباحث ویژه‌ای است که در این فصل می‌توان درباره آن مطالبی یافت. این بخش با وفات پیامبر ﷺ به پایان می‌رسد، ولی رویکرد عمومی این فصل نیز براساس مشهورات اهل سنت بنا شده است. نقد تفصیلی (دوازده صفحه‌ای) مترجم بر این فصل نشانه رویکردهای غیر شیعی نویسنده است.^۸

فصل سوم: محمد ﷺ در جست‌وجوی معنویت

مؤلف کتاب در این بخش به ارزشهای معنوی و اخلاقی‌ای می‌پردازد که به قول نویسنده «ارزشهای معنوی و اخلاقی که محمد به خاطر آنها زیست، جنگید و سرانجام جان خود را در راه تحققشان از دست داد، کدامند؟» می‌توان این فصل را با عنوان کلیاتی در باب اسلام تلقی کرد. بحثی پیرامون قرآن^۹، انسان در اسلام^{۱۰} و معنویت پیامبر^{۱۱} از دیگر بخشهای این فصل است.^{۱۲} به علت آشنایی خوانندگان با تاریخ اسلام و عدم ربط وثیق مباحث این سه فصل با عنوان کتاب، از خلاصه کردن آن خودداری کردیم و فقط شمه‌ای از رئوس مطالب آن را بیان نمودیم.

فصل چهارم: محمد ﷺ به عنوان محوند

خانم صمیمی اولین فصول اصلی کتاب را با جنگهای صلیبی آغاز کرده و به بحث از قرون هفتم تا یازدهم میلادی نپرداخته و بیان نکرده است که نگرش اروپاییان و مسیحیان در این پنج قرن به اسلام و پیامبر آن چگونه بوده است. نویسنده در این فصل نیز به مقدمات پرداخته و بیشتر این فصل را به تاریخ اروپا و جنگهای صلیبی اختصاص داده است. جنگهای صلیبی از سال ۱۰۹۵ میلادی با همکاری امپراتوری بیزانس با پاپ اوربان دوم شروع شد و هدف آن باز

پس‌گیری سرزمینهای مقدس مسیحیان بود.^{۱۳} در این دوران اطلاعات قابل توجهی در خصوص زندگانی پیامبر اسلام به اروپا منتقل شد که خیلی زود با افسانه‌ها، اساطیر و تحریفات مخلوط گردید، و ارزش تاریخی خود را از دست داد و حربه‌ای مذهبی برای مسیحیان در نقد اسلام شد.^{۱۴} در تفسیر مسیحیان، حکومت اسلامی آخرین جلوه ظهور دجال تعبیر گردید و با پیشگویی کتاب دانیال منطبق شد. واقعه آشنایی پیامبر با بحیرا، راهب مسیحی، دستاویزی برای تحریف مکاشفات و وحی پیامبر گردید و کشیشان قرون وسطایی به طور یکسان آن را دلیلی بر بهره‌گیری پیامبر از وی دانستند.^{۱۵}

مؤلف کتاب در ادامه به صورت حاشیه‌ای به اطلاعات مسیحیان از پیامبر اسلام در قرون قبل از قرون وسطی پرداخته و می‌نویسد:

جان دمشق (یوحنا دمشقی) مدعی شده بود که محمد به وسیله بدعتگذاران مشکوک مسیحی اغوا شد و از آن پس خود به اغواگر اعراب جاهل تبدیل گردید... دیدگاه جان دمشقی برای دوره‌ای طولانی در اروپای قرون وسطی رواج یافت... به نظر جان دمشقی ازدواج پیامبر با خدیجه برنامه‌ریزی شده بود و حملات صریح خود را تحت عنوان وحی پنهان می‌کرد و این چنین خود را پیام آور جدید خداوند مطرح نمود... عشق و علاقه فراوان وی به جنگ... و میل جنسی ارضا ناشدنی... از دیگر اتهامات دمشقی به پیامبر بود... نویسندگان قرون وسطی تمامی توجه و تأکید خود را بر حیات جنسی پیامبر ... معطوف ساختند.

در طول قرون وسطی پیامبر اسلام با عنوان ریاکار، دروغگو، دارای حمله صرع، مشتاق به کسب قدرت و جادوگر شناخته می‌شد. در قرن هشتم تاریخ‌نویس مشهور مسیحی در زندگی‌نامه منفی خود در باب پیامبر اسلام و ساراسن‌ها (اعراب)، پیامبر اسلام را بیابانگردی بی‌تمدن که مثل جدش اسماعیل، با همه سر جنگ داشت و برای کسب قدرت می‌جنگید، معرفی کرد.^{۱۷}

کشیشی به نام یولوژیوس، اسقف تولنو (م ۸۵۹ م) اسلام را زمینه‌ساز ظهور دجال معرفی می‌کرد و وحشی را که در کتاب مکاشفه از آنها یاد شده بود، همان مسلمانان می‌دانست.^{۱۸} دوست وی آلواروس در سال ۸۵۴ میلادی کتابی به نگارش درآورد و امیر محمد (حاکم وقت دولت امویان مسلمان اندلس) را ملعون عصر نامید و شاید این تشابه اسمی باعث گردید که اسامی مخوفند یا مخون یا مخومیت در زبان انگلیسی، ماحون در ادبیات فرانسه، ماخمت در زبان آلمانی در رمان‌ها و داستان‌ها هم‌ردیف دیو، عفریت و بت شد و حتی از محمد نه به عنوان پیامبر، بلکه بتی (صنمی) که مورد پرستش اعراب است، یاد گردید. در اثری محمد به عنوان مخون بتی است که تندیش توسط ساراسن‌ها پرستش شده و آن را هنگام نبرد با خود به میدان جنگ می‌آوردند و وقتی شکست می‌خوردند آن تندیس را لگدمال می‌کنند شکست سرنوشت حتمی ساراسن‌ها در تمام آثار ادبی آن دوران است.^{۱۹} در ادبیات انگلیسی ممت یعنی صنم و ممیتری یعنی پرستش بتها و در فرهنگ آکسفورد آمده که مخوند یعنی محمد پیامبر دروغین و بت.^{۲۰} در جنگهای صلیبی دوم، راهب معروف کلرو،

مردم بسیاری را برای فتح شام جمع نمود ولی نتوانست آنجا را فتح کند، لذا مورد سرزنش واقع شد. وی در یک فرافکنی گفت: تفسیر وی نبوده، بلکه مقصر اصلی شیطان یعنی محمد است این چنین محمد از بت، به محمد به عنوان شیطان لقب یافت.^{۲۱}

بعد از جنگهای صلیبی رویکرد مسیحیان از جنگ فرهنگی تغییر روش داد و قرآن به صورت منقوش ترجمه شد و این فرد آغاز جدیدی در نقد اسلام گردید.^{۲۲}

در قرن چهارده شاعری انگلیسی محمد را در قالب کاردینال خیانت پیشه‌ای تصویر کرد که از روی جاه‌طلبی، فرقه‌ای بدعتگذار را تأسیس نمود و از مسیحیت خارج شد. وی در اسفل دوزخ جای دارد و این چنین در یکصد و پنجاه سال بعد از وی محمد رئیس تشریفات جهنم است. همچنان که دانسته در اثر معروف خود، *کمدی الهی* پیامبر اسلام را در طبقه هشتم جهنم همراه با علی علیه السلام جای داد. زیرا ادعاهای دروغین بزرگی داشت. این تصویر دانسته از پیامبر اسلام، قرن‌ها در نزد مسیحیان مطرح بود و خوانندگان بسیاری داشت.^{۲۳} فصل چهارم با بیان دیدگاه‌های دانسته در *کمدی الهی* به پایان می‌رسد.

فصل پنجم: محمد صلی الله علیه و آله در اروپای پس از رنسانس

سقوط آخرین امپراتور بیزانس در جنگ با ترکان در سال ۱۴۵۳ میلادی، پایان سطره هزار ساله مسیحیت بر آسیای صغیر بود. این نقطه عطفی بود در تاریخ مسیحیت که هیچ‌گاه از خاطر آنها محو نخواهد شد. این جملات، نخستین عبارات مؤلف در فصل پنجم است. تسخیر قسطنطنیه خیلی سریع به وقوع پیوست و صبح روز جمعه، مؤذن سلطان محمد، بر فراز بام ایاصوفیه ندا سر داد: «أشهد أن محمداً رسول الله». مسلمانان در قرن پانزدهم میلادی از دری خارج شدند و اسپانیا را به اروپاییان تحویل دادند و از دری دیگر وارد اروپا شدند و قسطنطنیه را به اسلامبول تغییر نام دادند. در این دوران در نوشته‌های مسیحیان، پیامبر دروغین اعراب به سرشت اهریمنی ترکان تبدیل شد و لوتر در یک جلد از کتابهایش در هفتاد و پنج مورد به ترکان تاخت و از آنها با عنوان اهریمن یاد کرد.^{۲۴} در این دوران داستان بحیرا تجدید خاطره شد و در تحریفی دیگر این مسئله مطرح شد که بحیرا پیامبر اسلام را به ادعای پیامبری ترغیب نمود و او بود که قرآن را برای محمد نوشت.^{۲۵}

در قرن پانزدهم رنسانس در اروپا ظهور کرد و تحولات علمی اروپا شروع شد و با ایجاد صنعت چاپ تحولی بزرگ در گسترش علم ایجاد شد، اما ذهنیت نویسندگان این دوران در مورد پیامبر اسلام تغییر نکرد. این دوران سرآغاز سفر اروپاییان به شرق بود و سفرنامه‌ها مرجعی برای اطلاعات عموم از ادیان شرق گردید. سفرنامه مندویل در پایان قرن چهارده سرآغاز نگارش‌های

جدیدی علیه پیامبر شد. در این سفرنامه تهمتی جدید به تهمت‌های پیشین اضافه شد. وی نوشت: «پیامبر نزد بحیرا درس خواند، شراب خورد و در حالت مستی بحیرا را کشت، لذا در اسلام شراب حرام گردید»^{۲۶} این سفرنامه به چند زبان اروپایی ترجمه شد و عنوان کتاب مرجع راهنما برای شرق اسلامی و نگارش پیرامون ساراسن‌ها گردید. در این زمان هیگن، راهبی بندیکتی، تاریخی نوشت در مورد تاریخ جهان تا قرن چهاردهم و نسبت‌های ناروای جدیدی را به پیامبر اسلام داد. این کتاب به چند زبان و حتی زبان لاتین ترجمه شد. وی مدعی شد که پیامبر اسلام کبوتری را دست آموز کرد و به آن کبوتر تعلیم داد که دانه‌های گندم و ذرت داخل گوش او را بردارد و این چنین به اغوای مردم پرداخت و نام کبوتر را روح‌القدس گذاشت که به او ولی می‌فرستد و در گوشش نجوا می‌کند. افسانه شتری که غذایش را فقط از دستان پیامبر می‌گیرد و اینکه پیامبر آزادی جنسی را ترویج داد تا دینش جذابیت بیشتری پیدا کند، از دیگر افسانه‌ها و تهمت‌های جدید به پیامبر اسلام بود.^{۲۷}

شاعر دیگری به نام لیدگیت در انگلستان، داستان پیامبر را به عنوان «ماهرمت، پیامبر دروغین» به نظم درآورد و در سال ۱۴۹۷ میلادی منتشر کرد. در این کتاب بیماری صرع پیامبر دوباره بازسازی گردیده و حالت خلسه پیامبر در اوقات دریافت وحی به صرع تعبیر شد.^{۲۸}

البته در این دوران افرادی مثل آراسموس و جان سگوویایی نیز وجود داشتند که از تعصب و کوتاه فکری بیزار بودند و به اعتدال و صلح فرا می‌خواندند.^{۲۹} اما این افراد نادر بودند و در مقابل مارتین لوتر رهبر نهضت پروتستان‌تیزم و دوست آراسموس بود که بر آتش هتاکه‌ها به پیامبر اسلام دامن می‌زد.

فصل ششم: محمد ﷺ به عنوان ضد مسیح

«هر کس می‌تواند از پاپ.... بیزاری جوید و لعن و دشنام به وی گوید. زیرا او بیشتر از محمد به.... کلیسا ضربه زده است.... هر دوی آنان دشمنان کلیسا و همان بردگان شیطانند. زیرا هر دو اناجیل اربعه را رد می‌کنند.» این عبارات، قسمتی از خطابه مارتین لوتر در سال ۱۵۴۵ میلادی در باب پاپ و پیامبر اسلام است. تند مزاجی لوتر، رساله‌ها و خطابه‌های آتشین وی در رد برتری پاپ و دین اسلام، عامل تعیین کننده‌ای در رواج ستیز و وحشت بود. عقاید جنجالی وی در خصوص پیامبر اسلام همزمان با انتقادات وی از پاپ و دستگاه کلیسا به دیگر جوامع اصلاح طلب اروپایی منتقل شد و پروتستان‌ها بدتر از کاتولیک‌ها در ضدیت با پیامبر اسلام کوشیدند، زیرا این را از رهبر خود به ارث برده بودند. لوتر یکی از بزرگترین و معروفترین آثار ضد اسلامی قرن سیزدهم میلادی را با نام *در رد قرآن*، اثر مونترکروچه، به زبان آلمانی ترجمه و چاپ

کرد و در کتاب *برگزیده مزامیر* نوشت: مواظب باشید تسلیم وسوسه‌های اهریمن (مسلمانان) نشوید. وی پیامبر اسلام را پسر شیطان لقب می‌داد و پیامبر را دشمن حقیقی مسیح یعنی یکی از دجالها معرفی می‌کرد.^{۳۰}

لوتر متوجه شده بود که اعتقاد مسیحیان تثلیث پایه عقلانی ندارد، لذا با فحاشی به دیگران از عقاید خود دفاع می‌کرد و از مسلمانان با عنوان زشت ابلهان، خرابی خرافت و امثال آن یاد میکرد. نویسنده کتاب بیشتر این فصل را به لوتر و سخنانش اختصاص داده و عین عبارات لوتر در باب پیامبر اسلام و ترکان مسلمان را می‌آورد که خوانندگان را به اصل کتاب ارجاع می‌دهیم.^{۳۱} مؤلف در نقدی به لوتر می‌نویسد:

مطابق برخی اخبار، لوتر چند همسری را برای مردان تأیید و حمایت می‌کرد، چرا که در انجیل هیچ مخالفتی با آن نمی‌دید... اما ازدواجهای متعدد محمد ﷺ... به عنوان بی‌بند و باری مورد نکوهش و تقیح قرار می‌گرفت...^{۳۲}

بنابراین نقدی که سالها بلکه قرن‌ها بر پیامبر اسلام در باب ازدواج می‌کردند، اکنون خود لوتر با ازدواج با کاترین عملاً آن را پذیرفته بود.

فصل هفتم: اومانیزست یا متحجر

قرن هیجدهم را با عنوان عصر روشنگری لقب داده‌اند و فرانسه در این قرن قلب بی‌چون و چرای اروپاست. ادبیات فرانسه در اروپا فراگیر شده بود و انسان با فرهنگ در قرن هیجدهم یعنی انسانی که با تفکر فرانسوی زیست می‌کرد. در این دوران برای نقد مسیحیت و فرهنگ و سنن اروپایی، اسلام و پیامبر آن منشأ و منبع الهام‌گیری ادبی و هنری شده بود. یعنی برای نقد مطلق‌گرایی، خودکامگی، فساد، گمراهی و تجاوز به حقوق بشر، اسلام و پیامبر آن بهترین نمونه‌ها بودند. آنان با ارائه تصویر زشت از اسلام و پیامبرش به نقد مطلق‌گرایی و خودکامگی می‌پرداختند و این چنین خودکامگی پادشان و مسیحیت را به طور غیرمستقیم به نقد می‌کشیدند، لذا اسلام یک وسیله برای رسیدن به اهداف علمای عصر روشنگری بود. *نامه‌های ایرانی منتسکیو* یکی از این آثار است که مطلق‌گرایی و استبداد را در قالب رمان یک ایرانی مسلمان به چالش می‌کشد.^{۳۳}

در قرن هیجدهم اعضای برجسته آکادمیهای فرانسه توجه خود را بر شخص محمد ﷺ معطوف کردند. آنان کمتر به ذات و ماهیت دین اسلام توجه داشتند. ورتو در رساله‌ای با عنوان در *باب مؤلف قرآن*، دوباره تهمت‌های قرون وسطایی را تکرار کرده و تبلیغ اسلام با شمشیر، طرفداری از بی‌بند و باری اخلاقی، فقدان اصالت کتاب خدا و پیامبر یک مدعی دروغین را بازگو کرد و مدعی شد ازدواج پیامبر با خدیجه طرحی از پیش تعیین شده بوده است. اما قرن هیجدهم استثنائاتی هم

دارد. در این قرن بولنویلیه کتابی با نام *زندگی محومت* نوشت و از پیامبر اسلام تمجید کرد. کتاب وی در سال ۱۷۳۱ میلادی به چاپ رسید.^{۳۴}

اما کتاب وی از معدود کتابهایی بود که در این قرن راه انصاف را پیشه می‌کرد و در راه مقدسی قدم می‌گذاشت. در مقابل در سال ۱۷۳۳ کتابی با نام *خطابه‌ای علیه محومتیزم* در فرانسه چاپ شد. نویسنده آن کتاب معتقد بود هوای گرم عربستان قدرت تخیل اعراب را بالا می‌برد و پیامبر اسلام از این زاویه باید نگریسته شود.^{۳۵}

دیدرو، مؤلف *دائرةالمعارف* معروف فرانسه، مدعی بود که محمد ﷺ بزرگ‌ترین دوست زنان و بزرگ‌ترین دشمن عقل و خرد بوده که تا آن زمان زیسته است. *دائرةالمعارف* فرانسه از سال ۱۷۵۱ تا ۱۷۶۵ در فرانسه چاپ شد و در مدخل *محومت*، پیامبر را به شهوت پرستی و فریبکاری متهم نمود، وحی وی را دروغ دانست و پیامبر را به تعدد زوجات بی‌نهایت متهم ساخت. *دائرةالمعارف* فرانسه تأثیر شگرفی بر تفکر غرب به نحو عموم گذاشت.^{۳۶} اما در میان بازگویی و تکرار اکاذیب و تهمتها، ولتر به خاطر افتراها و دروغ‌پردازیهای تازه و بسیار زشت به پیامبر، موقعیت بر جسته و ممتازی دارد. ولتر تعصب و تحجر دینی را در هر شکل و نوع آن محکوم می‌کرد، اما بدترین نمایشنامه را در نقد تحجر به نام *پیامبر اسلام* نوشت. مشهورترین اثر ولتر که به شکلی چشمگیر با معیارهای مدرن روز مطابق بود، نمایشنامه *محومت یا تحجر* بود که در ۱۷۴۲ میلادی در پاریس به روی صحنه رفت. باپ بندیکت چهاردهم از این نمایشنامه اظهار نهایت مسرت کرده و آن را به عنوان یک تراژدی بی‌نهایت زیبا ستود. اما سفیر دولت عثمانی رسماً از اجرای این نمایش شکایت کرد و نمایش آن سانسور شد، اما به خاطر استقبال و اعتراض مردم دوباره روی صحنه نمایش داده شد. نمایش او این بود: ابوسفیان همه کس خود را از دست داده است و *محومت* در نقشه‌ای بی‌رحمانه، زیدبن حارثه را برای کشتن ابوسفیان ترغیب می‌کند و هدیه و پاداش زید را ازدواج با خواهرش که محرم اوست، معرفی می‌نماید. یعنی *محومت* برای رسیدن به قدرت، هم فرزندش را به قربانگاه می‌فرستد و هم زنای با محارم را تجویز می‌کند. این نمایشنامه دروغ در دروغ و با تهمت‌های بسیار زشت، در قرن هیجدهم یعنی عصر روشنگری به نمایش در می‌آید. ولتر خود درباره محتوای آن می‌نویسد:

داستان این نمایشنامه درباره پارسازاده مرد جوانی (زیدبن حارثه) است که از آن روی که فریفته جزم اندیشی است (پیرو دین اسلام)، پیرمردی (ابوسفیان) را که دوستش می‌دارد به قتل می‌رساند. مرد جوان (زید) که با تصور خدمت به خدا، ندانسته به یک پدرکش (کشتن ابوسفیان) تبدیل می‌شود. حکایت راجع به شیادی (پیامبر اسلام) است که فرمان این قتل را صادر می‌کند و به عنوان پاداش، زنای با محارم (ازدواج زید با زینب خواهرش) را به قاتل (زید) وعده می‌دهد.^{۳۷}

طهر

سال پنجم - شماره ۲۰ - زمستان ۱۳۸۵

۲۰۰

متأسفانه فردی که خود را مخالف تحجر و تعصب می‌دانست، به فجیع‌ترین وضع موجود دچار تعصبی غیراخلاقی شده و به یکی از نام‌آورترین مردان خدا این چنین بی‌رحمانه تهمت‌هایی می‌زند که در تاریخ اثری از آن وجود ندارد. یکی دیگر از آثار مکتوب ضد اسلام در سده هیجدهم رساله مشهور پریدو با نام *ماهیت راستین شیادی و تجسم کامل آن در زندگی محموت* است که با استقبال فراوانی روبرو شد. مطابق نظر پریدو ادعای دروغین پیامبر اسلام دارای شش ویژگی بود: به امیال نفسانی دامن می‌زند؛ بانیان آن افرادی شرورند؛ در برگیرنده کذب و دوغ است؛ از طریق اغفال و فریبکاری اشاعه می‌یابد؛ استقرار آن تنها با توسل به زور امکان پذیر است؛ تصویر ارائه شده از پیامبر اسلام در قرن هیجدهم میلادی سراسر اهریمن است که سزاوار همه نوع نکوهش همگانی است.^{۳۸} اما در قرن هیجدهم آثار مثبت هم وجود دارند: یکی کتاب *تاریخ ساراسن‌ها* اثر سیمون اگلی است که در سال ۱۷۹۸ میلادی به چاپ رسید. دیگری *مقدمه ترجمه قرآن* سیل است که در سال ۱۷۳۴ میلادی منتشر گردید. اثر دیگر نمایشنامه لسینگ به نام *ناتان خردمند* است که از مسلمانان چهره بهتری ارائه کرده است.^{۳۹}

یکی از آثار مهم و در عین حال منصفانه غریبان در باب پیامبر اسلام، کتاب معروف ریلند یا رلانند با عنوان *چهار رساله در باب تعالیم، اصول، مبانی و عبادات محموتیان* است که درباره مسلمانان نوشت:

محموتیان چنان که خیال می‌کنیم، مجنون نیستند. من همیشه بر این عقیده بوده‌ام که این دین... زاینده تجلی شگرفی از حقیقت است که مقبول این همه انسان واقع شده است.^{۴۰}

بنابراین باید گفت اگر چه عصر روشنگری در خصوص پیامبر اسلام دو نظریه متقابل را ارائه می‌داد، اما در واقع محمد ﷺ در عین بی‌گناهی به عنوان بلاگردانی در صحنه حملات نهانی عصر روشنگری علیه مفاسد اخلاقی دولتمردان و کلیسا ظاهر شد.^{۴۱}

فصل هشتم: محمد ﷺ در عصر قهرمان پرستی

در قرن نوزدهم انقلاب فرانسه روی داد که مهم‌ترین رویداد در تاریخ اروپای مدرن بود. این انقلاب امواجی پویا برای رسیدن به دموکراسی در سرتاسر اروپا منتشر کرد. در این زمان هگل نظر مشهور خود در باب فلسفه تاریخ را بیان کرد و ظهور محمد را به عنوان چهره‌ای تاریخی و جهانی یک ضرورت قاطع تاریخی توجیه نمود و این چنین ایده قهرمانی و اهمیت نبوغ انسان را در تاریخ بشر مورد بحث قرار داد.^{۴۲} در این دوران سزار، سقراط و محمد سرچشمه‌های نبوغ بشری معرفی می‌شوند. گوته در شعر خود با عنوان «سرود محموت» و نمایشی با عنوان *محموت‌ته* نبوغ پیامبر اسلام را ستود. در این شعر محمد به رودی تشبیه شده که همواره بر عظمت آن افزوده می‌شود. شعر گوته حکومت محمد در مدینه را به واقعه‌ای نیروبخش، نیکو و دلپذیر تبدیل

می‌کند. نمایشنامه وی در سال ۱۷۷۲ میلادی و *دیوان سُرق و غُرب* او در سال ۱۸۱۹ منتشر شد. یکی دیگر از ستایشگران پیامبر اسلام در قرن نوزدهم، توماس کارلایل در مجموعه در باب *قهرمان پرستی* است. سخنرانیهای وی در باب *قهرمانان، قهرمان پرستی و قهرمانی در تاریخ* در سال ۱۸۴۱ میلادی به چاپ رسید و غوغای زیادی به پا کرد و از تعریف مبالغه‌آمیز تا حمله و انتقاد شدید را در پی داشت.^{۴۳} ستایش بی‌نظیر کارلایل از پیامبر اسلام مورد انتقاد جدی کشیشان و استفان قرار گرفت و خواندن کتاب وی را برای جوانان مضر دانستند. در سراسر تاریخ نویسندگی در اروپا از آغاز قرون وسطی تا به آن روز، این نخستین مرتبه بود که محمد ﷺ با چنین جسارتی هم‌ردیف مردان بزرگ تاریخ جهان قرار گرفته بود. کارلایل محمد را مردی اصیل دانست که با پیام الهی از عالم بالا ستاره راهنمای زندگی شمار بسیاری از زنان و مردان گردید. او معتقد بود محمد جز حقیقت راه دیگری نیمود و راستی و حقیقت شالوده‌بنیادین ذات اوست.^{۴۴} نویسنده کتاب به تفصیل آرای کارلایل را بیان کرده که از بیان آن خودداری می‌کنیم و خوانندگان را به اصل کتاب ارجاع می‌دهیم.^{۴۵}

فصل نهم: خیال‌پردازی در باب لذت پرستی و قساوت

نویسنده در این فصل به تاریخ استعمار دول غربی می‌پردازد و از اقوال قدرت امپراتوری عثمانی و سفرنامه‌های سیاحان خارجی سخن به میان می‌آورد و می‌نویسد:

عده معتابیهی از سیاحان اروپایی با حالتی از حیرت و احترام... نسبت به آداب و رسوم مسلمانان دیندار از خود واکنش نشان می‌دادند... این اعمال در نظر فرانسویان کاتولیک خوشایندتر از انگلیسهای پروتستان جلوه می‌کرد... به موازات تصویر گریه‌های مثبت از اسلام، سلسله عقاید خصمانه نیز وجود داشت.^{۴۶}

در این دوران شرح حال نامه چهار جلدی ویلیام موئیر، تحت عنوان *زندگی محومت* در سال ۱۸۵۸ میلادی منتشر می‌شود که از پیامبر اسلام با عنوان *جاه طلب و شهوتران* یاد می‌گردد.^{۴۷} در کتاب *زندگی محومت* اثر ایروینگ، چاپ ۱۸۵۱ لندن، تصویری هرزه نگارانه از بهشت مسلمانان خلق می‌شود.^{۴۸}

در مقابل این تفکرات کتاب *زندگی و آموزشهای محمد*، اثر اشپرنگر، در سال ۱۸۶۱ در برلین منتشر شد که اسلام را یکی از بزرگ‌ترین پدیده‌هایی معرفی کرد که بشر به خود دیده است. در کتاب دیگری با عنوان *شخصیت محمد* اثر آندره، محمد ﷺ یک اصلاحگر راستین دینی و اجتماعی قلمداد می‌گردد. در سال ۱۹۰۵ میلادی مارگولیوت کتابی درباره زندگی پیامبر ﷺ اسلام به رشته تحریر در آورد و پیامبر را از تمام اتهاماتی که در قرون مقدم به محمد ﷺ زده بودند، مبرا دانست و ازدواجهای مکرر پیامبر اسلام را با انگیزه سیاسی دانست، نه بر اثر شهوت پرستی.^{۴۹}

طهری

سال پنجم - شماره ۲۰ - زمستان ۱۳۸۵

فصل دهم: بازگشت به جنگهای صلیبی و جهادها

بعد از سقوط امپراتوری عثمانی در جنگ جهانی اول، ژنرال انگلیسی فاتح فلسطین در ملاعام اعلام کرد که اکنون سرانجام جنگهای صلیبی کامل شده است و در سال ۱۹۲۰ فرمانده فرانسوی در نزد قبر صلاح‌الدین ایوبی فریاد زد: «صلاح‌الدین، ما برگشتیم».^{۵۰}

هنوز تجزیه امپراتوری عثمانی به مرحله نهایی خود در سال ۱۹۲۳ میلادی نرسیده بود که اعلامیه بالفور در سال ۱۹۱۸ میلادی بر تشکیل دولت اسرائیل صحنه گذاشت و عملکرد استعمار غرب به انقلابی شدن اسلام منجر گردید و احساسات ضد اروپایی در میان پیروانش را فراهم آورد.^{۵۱}

بعد از جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۸ میلادی فلسطینیان از سرزمین خود اخراج شدند و احساسات تمامی جهان اسلام برانگیخته شد و کمکهای بی‌دریغ آمریکا به اسرائیل نقطه آغاز یک دوره انفجار بود و این چنین جهاد اسلامی شکل گرفت. با نفوذترین چهره‌های انقلابی حسن‌البناء و سید قطب‌اند.^{۵۲} نویسنده در ادامه به تاریخ معاصر پرداخته است.^{۵۳}

فصل یازدهم: از تکریم تا تحریف آشکارای محمد ﷺ در قرن بیستم

امام خمینی ره در ۱۹۸۹ میلادی سلمان رشدی را مرتد اعلام نمود و فتوای قتل وی را صادر کرد. غربیها این اقدام را بیانیه‌ای علیه آزادی بیان تلقی نمودند و از سلمان رشدی حمایت کردند. رویارویی کلامی پس از انتشار آیات شیطانی، بر عمق درگیری سیاسی بین جهان اسلام و غرب افزود و روح جهاد و جنگهای صلیبی را زنده کرد.^{۵۴}

آن ماری شیمل در مصاحبه‌ای تلویزیونی سلمان رشدی را به خاطر جریحه‌دار کردن احساسات مسلمانان به گونه‌ای اهریمنی به شدت مورد انتقاد قرار داد و این باعث مباحثات فراوانی در آلمان و اروپا گردید و آن ماری شیمل به جانبداری از بنیادگرایان متهم گردید.

در قرن بیستم کاوشهای مشفقانه بسیاری برای شناخت شخصیت تاریخی و معنوی پیامبر صورت گرفت. یکی از این کوششها کتاب **محمد تراژدی کامیابی**، اثر فن میکوش، بود که پیامبر را برخوردار از اصول ناب و متعالی اخلاقی معرفی کرد. در کوشش مشابه با دلی در اثرش با عنوان **پیام آور** به شرح منصفانه زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله پرداخت.^{۵۵}

در این قرن شاهد تحقیقات آکادمیک درباره اسلام و پیامبر آن در غرب هستیم. نمونه آن کتاب **محمد و قرآن** نوشته پارت است که در کنار دو کتاب **مونتری وات** با نامهای **محمد در مکه** و **محمد در مدینه**، کوششی چشمگیر برای بازسازی تصویر محمد در اذهان اروپاییان است.^{۵۶}

در فرانسه ماکسیم رودنسون در سال ۱۹۶۹ میلادی کتابی به نام *محویت* نوشت و همچون وات به طور منصفانه از زندگانی پیامبر اسلام سخن گفت. در سال ۱۹۷۸ میلادی *تاریخ کمبریج از اسلام* منتشر شد و بیان کرد که غریبان نمی‌توانند از تعصباتی که از نیاکان قرون وسطایی خویش در باب پیامبر اسلام به ارث برده‌اند، رها شوند. زیرا در جنگهای صلیبی و جنگ با ترکان به جایی از استیصال رسیدند که محمد را به عنوان نماد همه آنچه اهریمنی بود، شناختند و معرفی کردند و تأثیر آن هنوز در ضمیر غریبان جای دارد.^{۵۷}

در دورانی که آثار منصفانه‌ای درباره پیامبر اسلام به بازار عرضه شده بود، ناگهان اثری روانه بازار کتاب شد که خشم مسلمانان را برانگیخت و آن کتاب *آیات شیطانی*، اثر سلمان رشدی بود. نویسنده در گزارشی کوتاه از محتوای کتاب آیات شیطانی، این اثر را دنیای خود سلمان رشدی دانسته که آواره و از ریشه کنده شده و قربانی تعلیم و تربیت انگلستان شده است. مباحث کتاب در ادامه^{۵۸} به یکباره ناتمام مانده و صفحاتی از فصل دوم^{۵۹} جایگزین آن می‌شود و در آخر کتابنامه به آن ضمیمه شده است. بنابراین خواننده از پایان کتاب و نتیجه‌گیری نویسنده بی‌اطلاع می‌ماند و شاید احساس کند که این کار عمداً صورت گرفته است. امیدواریم انتشارات اطلاعات این نقیصه را در چاپهای بعدی رفع نماید و در انتها نمایه و فهرست تفصیلی را به آن اضافه نماید. به امید روزی که پیروان ادیان همدلانه در کنار هم بنشینند و سوءظن‌ها و بدفهمیها را به ارتباطات حسنه تبدیل نمایند و سخن طرف مقابل را نه برای رد، بلکه برای فهم بشنوند.

طرح

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پی نوشتها:

۱. ص ۲۸-۲۹؛ پیش گفتار نویسنده بر متن فارسی.
۲. ص ۳۴.
۳. ص ۲۸-۲۷.
۴. ص ۵۲-۳۹.
۵. ص ۴۲.
۶. ص ۸۰.
۷. ص ۹۱-۵۳.
۸. ص ۱۴۲-۹۳.
۹. ص ۱۴۷.
۱۰. ص ۱۵۵.
۱۱. ص ۱۵۸.
۱۲. ص ۱۴۳-۱۴۳.
۱۳. ص ۱۷۳.
۱۴. ص ۱۷۷.
۱۵. ص ۱۸۱.
۱۶. ص ۱۸۳.
۱۷. ص ۱۸۴.
۱۸. ص ۱۸۷.
۱۹. ص ۱۸۹.
۲۰. ص ۱۹۱.
۲۱. ص ۱۹۲.
۲۲. ص ۱۹۴.
۲۳. ص ۱۹۹.
۲۴. ص ۲۱۵.
۲۵. ص ۲۱۵.
۲۶. ص ۲۱۶.
۲۷. ص ۲۱۷.
۲۸. ص ۲۱۸.
۲۹. ص ۲۲۱.
۳۰. ص ۲۵۱.
۳۱. ص ۲۵۰-۲۵۹.
۳۲. ص ۲۶۲.
۳۳. ص ۲۷۹.
۳۴. ص ۲۸۵.
۳۵. ص ۲۸۷.
۳۶. ص ۲۹۱-۲۹۲.
۳۷. ص ۲۹۸.
۳۸. ص ۳۰۴.
۳۹. ص ۳۰۷-۳۱۵.
۴۰. ص ۳۱۵.
۴۱. ص ۳۲۱.
۴۲. ص ۳۳۴.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

- ۴۳ ص ۳۴۱
 ۴۴ ص ۳۴۵
 ۴۵ ص ۳۴۳-۳۵۱
 ۴۶ ص ۳۸۳-۳۸۵
 ۴۷ ص ۴۱۶
 ۴۸ ص ۴۱۷
 ۴۹ ص ۴۱۸-۴۲۰
 ۵۰ ص ۴۲۵
 ۵۱ ص ۴۳۴
 ۵۲ ص ۴۳۷-۴۳۹
 ۵۳ ص ۴۴۰-۴۴۳
 ۵۴ ص ۴۶۹
 ۵۵ ص ۴۸۰
 ۵۶ ص ۴۸۵
 ۵۷ ص ۴۸۹
 ۵۸ ص ۴۹۶ به بعد
 ۵۹ یعنی صفحات ۹۷ تا ۱۱۲.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

طهری

سال پنجم - شماره ۲۰ - زمستان ۱۳۸۵